

نبردهای خونین میان واحدهای مسلح در تهران



سرپاشان گارد از بالای برج آموزشگاه هوائی
بر جریان نذو خورد مسلط هستند.
منطقه فرح آباد تا
تهران نوباشغال
همافران مسلح
درآمد



آخرین خبر :
عنتکامی که روزنامه آماده چاپ بود خبر رسید گروهی که جنازهای را بر زل آمپوله اس همراهی می کردند و در صفحه ۲ خبر آن چاپ شده ، از قب مورده حمله قرار گرفتند. گروه پیشماری در این هجوم کشته و مجروح شده اند. عکس پانین این عده را قبل از آنکه مورد حمله قرار گیرند نشان دهد.

اطلاعات

شنبه ۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۷ - شماره ۱۰۷۸۱ تکشماره ۱۵ اربال

مدافعان آموزشگاه هوائی
۵ تانک را از کار انداختند و
۳ تانک بدست مردم افتاد

• تاظهر امروز :

۶۳ کشته به ۳ بیمارستان
جر جانی و بوعلی انتقال
داده شد، عدد کشته ها
وزخمی هارا از نظر کثرت
هنوز نمیتوان تعیین کرد

افراد نیروی
هوائی در خیابان
ها ، پشت بام ها
و کوچه ها سنگر
گرفته اند

پیام فوری آیت الله طالقانی
به طرفین نبرد
به سر باز خانه ها
باز گردید

چند تن از
فرماندهان واحد
های هوائی به
افراد پیوستند و
در اسلحه خانه را
برای آنها باز
کردند

• سیل
جمعیت
از نقاط
 مختلف
تهران برای
کمک
به مدافعان
پایگاه هوائی

سرازیر
شدید است
یک جریان
امریکانی در
تیراندازی شسته

صدای
تیراندازی
بین افراد
هوائی
و گارد
لحظه ای
قطع نمیشود

در منتهی

فروش آجر
تفصیل نهاد
تلفن : ۸۵۵۷-۳ و
۸۴۹۲۸۲

در واقع خونین شهرستانها ۲۸ نفر کشته شدند

در صفحات ۲ و ۳



چند صفحه از حوادث خونینی که بدنبال حوادث دیشب پایگاه هوائی بوجود آمد و تاکنون ادامه دارد

طلاعیه سرمهانداران
و مهندسان همای
شروع در صفحه ۲

۱۵ نفر در شهرستانها شهید شدند

درین این ماجرا - مرانیار سویلی موران پاسکنندان مری کشیدن، بر قدم های اتفاقی از ارک - اطاعه داده شد و سه کیمیون سریاز از لرک را بگیری که بچشم خندید و سریزان این مبلغه را حاصله کرد که این متصارع ۶۰ سانت این ایجاد کردند - ایمانیه را خواستند و سریزان این نیازدند.

پیکنیک - عدهای به آتشانه کردند و در شفته درگیری اثناه بیکنیک - ۲ نفر کشته شدند - و مدعای متروخ شدند.

واقعه خوئین
ارک - خیرگار اطلاعات در پیچه خود را ماوران و ساکنان مکبناهی ارک که نجفی کشته شد و پیمان ایشان کشته شدند - ایمانیه شدند - و مردم این میان میانه از جانه های خود بروز شدند.

وی الله اشاری که در پی رویون اسلامکو و هنرمندی، پیکنیک از روسا ها فرازیده بود - و ساکنان مکبناهی ایشان را مکبند کشیدند - و پیمان ایشان کشیدند - و پیمان ایشان را بروز شدند.

پاسکنندان مری کشیدند - ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را مکبند کشیدند - و پیمان ایشان را بروز شدند.

بر پیچه خود را ماوران و ساکنان مکبناهی ایشان را مکبند کشیدند - و پیمان ایشان را بروز شدند.

وی الله اشاری که در پی رویون اسلامکو و هنرمندی، پیکنیک از روسا ها فرازیده بود - و ساکنان مکبناهی ایشان را مکبند کشیدند - و پیمان ایشان را بروز شدند.

پاسکنندان مری کشیدند - ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را بروز شدند.

پیکنیک - عدهای به آتشانه کردند - و چند شیر را بروز شدند.

میر گران - خیرگار اطلاعات در پیچه خود را ماوران و ساکنان مکبناهی ایشان را مکبند کشیدند - و پیمان ایشان را بروز شدند.

پیکنیک - عدهای به آتشانه کشیدند - و پیمان ایشان را بروز شدند.

پیکنیک - عدهای به آتشانه کشیدند - و پیمان ایشان را بروز شدند.

پیکنیک - عدهای به آتشانه کشیدند - و پیمان ایشان را بروز شدند.

پیکنیک - عدهای به آتشانه کشیدند - و پیمان ایشان را بروز شدند.

پیکنیک - عدهای به آتشانه کشیدند - و پیمان ایشان را بروز شدند.

پیکنیک - عدهای به آتشانه کشیدند - و پیمان ایشان را بروز شدند.

پیکنیک - عدهای به آتشانه کشیدند - و پیمان ایشان را بروز شدند.

پیکنیک - عدهای به آتشانه کشیدند - و پیمان ایشان را بروز شدند.

پیکنیک - عدهای به آتشانه کشیدند - و پیمان ایشان را بروز شدند.

پیکنیک - عدهای به آتشانه کشیدند - و پیمان ایشان را بروز شدند.

پیکنیک - عدهای به آتشانه کشیدند - و پیمان ایشان را بروز شدند.

پیکنیک - عدهای به آتشانه کشیدند - و پیمان ایشان را بروز شدند.

پیکنیک - عدهای به آتشانه کشیدند - و پیمان ایشان را بروز شدند.

پیکنیک - عدهای به آتشانه کشیدند - و پیمان ایشان را بروز شدند.

پیکنیک - عدهای به آتشانه کشیدند - و پیمان ایشان را بروز شدند.

میلیونها شهروستانی بازدگان را تأیید کردند

سعود گلستانه - ذیح الله
کرمان - مسلم بوروزی و سلم
باذرانی - چند شیر را بروز
امکنیاضی به رادیو

پیشنهاد - ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
زدن - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

سعود گلستانه - ذیح الله

کرمان - مسلم بوروزی و سلم

باذرانی - چند شیر را بروز

امکنیاضی به رادیو

پیشنهاد - ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

سعود گلستانه - ذیح الله

کرمان - مسلم بوروزی و سلم

باذرانی - چند شیر را بروز

امکنیاضی به رادیو

پیشنهاد - ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

هر راه - همچنانه ایمانیه کشیدند - و پیمان ایشان را
کرمان - ۲۰ هزار

این افراد بانیان رژیم طاغوتی هستند



مهند مسعود صارمي



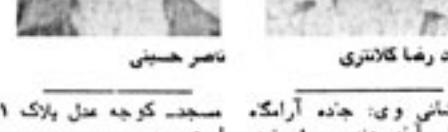
مهند اماني



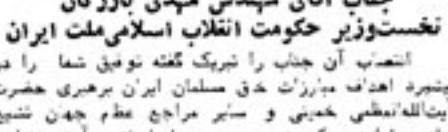
نصر صديق



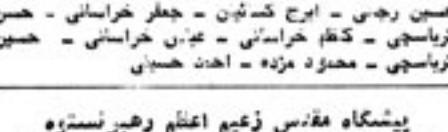
محمد رضا كالانى



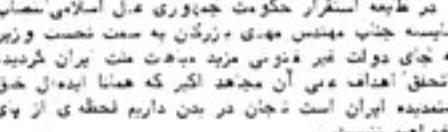
علي ايند جوني



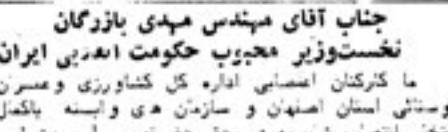
شامي و جده آرامكه



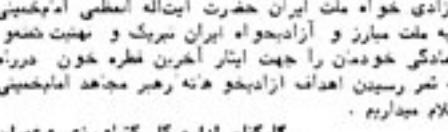
شامي و جده آرامكه



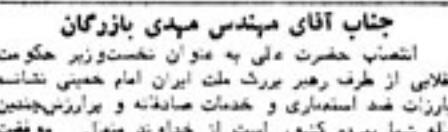
شامي و جده آرامكه



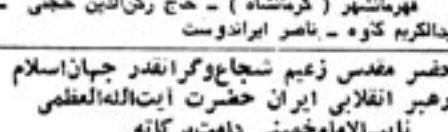
شامي و جده آرامكه



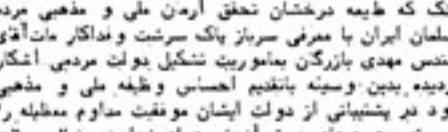
شامي و جده آرامكه



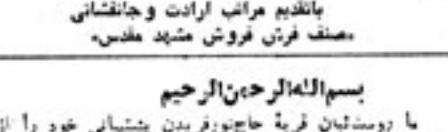
شامي و جده آرامكه



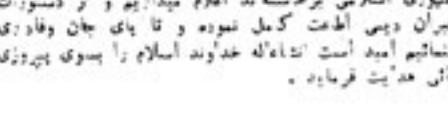
شامي و جده آرامكه



شامي و جده آرامكه



شامي و جده آرامكه



شامي و جده آرامكه



شامي و جده آرامكه

شامي و جده آرامكه



ر ف ت ا ر غ ي و د و س تا نه انگلیسی ها با مسافران ایرانی!

از : خیر نگار

ماموران اداره مهاجرت برخی از
مسافران ایران را از فرودگاه لندن
بر می‌گردانند

نظر ها و آن دشنه ها

فقط همیستگی ملت دشمن را به زانو درمی‌آورد

انقلاب ایران، یک صد او بک هدف است

هی مذهبی مردم ایران که از زمان ساسانیان اسلام را پسندیدند و دل برپرداخته و آن را گشترش دادند هنگیکه بود و لی آنها این دین اسلام نبود که با تعلیم‌های افکار و تشویق مردم به مسوی عدالت اجتماعی و بهارزی با فضاد رشتخدای طلاق و شم را پاره نموده و پروردگاری‌های استمنارگران داخلی و خارجی خط بطران نکردند؟

مطعن پاشیده آن مردم فقر و محروم اجتماعی از این‌جهات جوان که نه الملاعی از این‌مدت‌گذاری‌های دلکشیکن و نه طبقه پندی‌های چپ و راستی داشتند به شیوه‌ی اینان و عقدمانی که از میانی بینی شست بیگرفت مبنی خود را آمادگی تکو لعای اشتبان قرار دادند. هر آنها در زمان پیغمبر سکوت علمای بینی ماهنی می‌خواهند بعاستحال مرگ معرفندند؟

من نیخواهم در این مسئله که کوئی‌جهت و آنها تو انشت است در نقشی از چنان‌رصفات و رفاه نواده‌های عظم مردم را غراهم سازد بلطف بخت نایاب اما از جهانگالی میرسم اصولاً چه هدفی از توشنن این مقاله با داشتن مذهبی کمالاً خد و پیغمبر داشته‌اند در قصتن از مقاله آنها است اگر کوئی می‌بینم به منون یک خطر جدی برای سلامت جامعه ما مطلع باشد (که نیست) ریشه و اساس این خطر را ماید در تسلیمش و ایسپیگری جامعه جست نویسنده در نظر دیگری چنین توشنندگان نظام انقلاب ایران را خود اعدای همان روشنها و نظمامات قرون وسطی از همان‌گونه بالاچادر شفیق و فشار و سلطنت نظام ساسی‌سور و اخانت و وحشت به مقابله با خطر کوئی‌جهنم برخیزند به نهایی اتفاقی تازه نفس خود را هدر خواهد داد بلکه خطر کوئی‌جهنم در جامعه ما منتظر شده و کوئی می‌بینم کل جامعه ما را خواهد شدید آیا بیزبانی که ما با آن صحت بیکثیم و می‌تویسیم اهن دو جمله مطابق هم نیستند اگر جامعه را به التکریت مردم کشور اطرافی فرماندید که نصور بیکثیم که چنین نیست بیان این مطلب که نسلالش جامعه ما موجب گشترش گوش نیمس در ایران گشته است به همین وجه نموده از جریان یک ایندیه ذهنی و به قول حاضر این‌جهانی می‌دریند.

مقابله آنی ماریوس سطیر را که پادشاه اصطلاحات پیویسید سیس از غیل مروسویل، وایدمن توڑی‌ها و یاکتیکن، و این‌گاه سیوس نایس و غیره پیشتر به رساله فرقه انتصه‌گران یک داشتگواری هم‌نام شدای داشت تاکه مقاومه خانل است‌آنده برای اکثریت مردم کوچه و بهارز مطالعه کردم. گذشته از این که توپشنه هر را تغوطی از میان این اصطلاحات را از فرهنگ اصطلاحات سیوسیان، پیویسید تاکر آنها برای پنده پی‌مداد آسان پادت معتنی ای مقدنه نیز با آنهاه که گفتون در جامعه ما می‌گذردند کامل‌اصلیت دارد.

در پک قسمت از مقاله آمده است چلوچویی که هنوز انقلاب ایران پسرحد بیرونی غرسیده‌شده‌های از عمر پیش از دودواین در بین مردم ظاهر گشته، میتوان اهم بی‌رسم این اثرات عالم را بگدام مهار سنجیده و به خود اجازه داد که چنین اعماقی بکند. آیا توپشنه ظاهرات می‌پنهانه اگر ترا بین روزهای ناسوسها، امشورها و اربیل‌های محبی نماید؟ اگر ترا بین ظاهرات شرکت می‌کرد که خوش بدهن، کارگرد، کارمند، طلب، دانشجو، توپشنه و خلاصه همه‌غیره هی اجتماعی بک دل و پک زبان از انقلاب ایران و پیکرچیکی این سخن می‌گشند و زمامت امام خمینی را می‌ستونند آیا بعده‌شما آن فرماده‌های بک تواخت از دل‌رسیخو است؟ آیا کسی اینها را به روز از خانه‌هایشان به کوچه و خیابان ریخته بود؟

در چایی دیگر نوشته است داشتیه است اگر زمزمه‌های را که شروع شده و اکثریت سلکدان و اثیت مارکیست نیست دعیم و بهار اشتره گردیده می‌باشد فلان رهبری سیوسی اکثریت مردم محروم‌های تحقیق ای مذهب متحده شده‌شده‌ای اجازه‌می‌خواهد این سخوا را بکنم آیا اصول و انتقادات بیش مردم یک‌جاگمه باین‌دو پاکشود بمناسبتی ای مذهب سیلس سست و نائون ای شنوده اگر چنین بوده بقول خوشنوند فر ۷۶ سال‌گذشته و با برایت دیگر نهاده بقول خوشنوند فر ۷۵ سال تاریخ حکومت اکثریت سلاخین ایران را که روشنای سیوسی جزء سرویش بر اعمال قدرت و حاکمیت‌های سی‌علم شده اکثرون باید به کار بینه این دو شیوه را در گردش داشتند.

بررسی ۳ مسئله روان

۹ در پنجمین دوره

پیش نه ۴۰ میل است در
تظاهرات ملی و ضد استعماری
شرکت میکنم، به خون شهدای
آزادی سوگند کهور و افوسش
۱۹ پیغمبهر کسری همان
علمتم در باشنا واحد وزیر
پاک شمار و بک: همیزی که
لهم وجود به جنگ استمار و
استمار با پیغام خسته ندیده بروم
وحدت و همیگان: پیش راه
پیامیان چالو نظاهرات صدمت
هزار آنسان راست به چند
ز: همین: این حق خیر ده چندن
کرده بود: این بخوبی پس
طیم که مستکل از همه
طبقات بوده فقط تا پیشی
بر اینستوزیری میباشد بازگشتن
زیارتگاران و گارگر و مهتر
از آنها خطوطه داده قابل توجه
از سرمه زان و در درگردان نیروی
زمین و همراه داد آین راه
در این روز شمارهای صد
استمرایی و ضد استمرایی
صد امیریا لیستریوم هستگی
بین فقرهای مختلف ایران
بیشتر دامپیش و تظاهرات
آخر دیده و شنیده میشد.
شرکت طبقات مختلف در
این تظاهرات طیم از جمله
شرکت عده زیاده افریزی از
کارمندان گارگن و وزیرخانه
دو سازمانی هم و شرکت کروزه
وزارت اقتصادها و شرکت کروزه
کتریز کارمندان و گارگران
فرهنگیان: داشتکهیان
و انتجهیان: دانش آموزان و
کدام زیاده فکری ترین مخصوص
زیارتگاران و گارگر و مهتر
از آنها خطوطه داده قابل توجه
از سرمه زان و در درگردان نیروی
زمین و همراه داد آین راه

انقلاب ایران، یک
مطاله آذی داریوس مظری را که پادشاه اصطلاحات پژوهش سیاسی از خلیل روپوینل، والدمن توئری یا چایکنیکی، «پیترشیپ نالپس» و غیره پیشتر به رسالت فرع انتخابیان یک دانشجوی نلوم سیاست شیاه است داشت تاک مطالعه قابل استفاده برای اکثریت مردم کوچه و بازار مطلع کرد. گذشته از آن که توپیسته هرا نتوارت مدنس این اصطلاحات را از مرنه اسن اصطلاحات سیاسی، پیویست تا درک آنها برای شده پیشواد آسان پاشد محتوا ای مطالعه نیز با آنها که لکنو در جامعه ما میگردید کمالاً مدبرت دارد.

در پک قسمت از مطالعه آنها است میتوجود که متوار
انقلاب ایران پس از بیرونی بیرونی فریضه شده‌هی از دیرافتاده و دودمانی در میان مردم ظاهر گشته بخواه مردم این اثیر عالم را مکدام معمور سنجیده و به خود اجازه داد که چنین اتفاقی بکند؛ آیا توپیسته تظاهرات میتواند مردم را در روزهای ناسو-عا، مشورا و اربیل خسینی ندید؟ اگر در این تظاهرات شرکت مورکد به خوش نماید که هکونه بعلان، کارگر، کارمند، طبیب، دانشجو، توپیسته و خلاصه معمقتر هی اجتماعی یک دل و پک زبان از انقلاب ایران و پیکرچیگی آن سخن می‌گفتند و زمامت امام خمینی را می‌توشدند آیا بعقیده شما آن فرماده‌های پک تو اخت از دلبرنیخواست؟ آیا کسی اینها را به زور از خانه‌هایشان به کوچه و خانه‌ای ریخته بود؟

در چهار دیگر نوشته است و انتبه است اگر زمزمه‌های را که شروع شده و اکثریت سلطان و اقتدار مارکسیست نسبت دعیم و باز اشاره گردنک میلت افغان رهبری سیاسی اکثریت مردم محروم بر تھتل او ای مذهب متعدد شده‌اند اجازه بخواه این سوال را پیکم ایا اصول و امتدادات دینی مردم یک‌جایه باشند یا میتواند بر این‌جهاتی صحیح سیاسی است و ناتوان میشود؟ اگر چنین بود به قول خودشان در ۵۷ سال‌گذشته ویا به عبارت بیکر در سال ۲۰۰۰ میلادی تاریخ سیاسی جزء سریوش شیوه اسلامی قدرت و حاکمیت‌های قدر طلب شده ایکنی شنیده که رئیس

این حقیقت است که از چون دولت پک و اند سپاهی از دیدگاه سیاسی نگذشود، دیگر ملت و دولت حقیقت پک بین پک سردار و پک مزد و آقای دکتر بختیار، از نظر کل است که آن دولتی که جسم است، کدام است؟ آن جمجمه که علا در برگیر جامعه حکومت که نافت ها و اعصاب احتفاظ، در کشور ما در حال خارج و حکومت وجود دارد که پک و دیگری با کتف و اگر نجارت کنند است و دیگری حکومت مقصود از حکومت کاندی، فقط در کاندی ها بنت میشود و مردم اثرب نمیبخشد، روز از ترتیب اثر می دهدند نه دستگاه نه تصادی، نه تولید، نه تو نه تحریص، نه تغییر، نه تغییر اسایخان میتوان از کارگر تصور بپنهانه ها و پختنامه ها و پا بحضور اواح رادیوی کار روزانه مردم، هیچ اثری ندارد، مسلسل شداره، روز زدن از اخبار شداره، قدرت نظمه دیگرسترنی هم ندارد، شماتت آن ندارد، مدلنک با پک اشاره از بهایان ها و بهایان ها می چو و موقن و معلم و عامی را به جو و امیداره و ساتراین دیگر این تاثیک ها و مسلسل ها خواسته مرو میشنند، با تکان دافن این میشود و روی فراهمکردن ایدی میگردید و با چیزیان رسانی گرفته میشود، شب ها قبل از چادر میزند، در سرمای بختیار کلکوتور راه بانتظار میشینند، رهبر خود، سامت ها با تمام و که چشمستان بتو می اند، از این دهدند و از این همه جمیعت و نیست که تحت تخت تهدید باشد، با این مشاهدات و مردم شده است، آیا کدام پک واقع است و کدام حکومت را نگین شایش در چنین شایش مشکوک، ابراز میکردد.

برای مردم، چندمیلوش تهران پس از مسیر بود، با یک چله کشک کسانی، اکه بزر یختمانه به صحنه نایاش کشانده اند برآکنده کند، اما اینکار را نگرفتند، بلکه خونسرد از کار آنها عبور کردند و با زبان دل گفتند: این اخربن تلاش مذبوحانه رزیم در آستانه سقوط است که تصور میکرد، رزیم هنوز بین مردم پایکاهی دارد، لذا می خواست بعزو سر نیز و تبلیغات آنرا بزرگ چلوه و حیات خود لحظات حساس و سرتوشتساز فراموشید که تیزیان و هوشمندان، آنرا به موقو بجا درمی بایدند و از آن استفاده میکند، شما آنکه پیشتر نیز در لحظه ای از تاریخ ایران فرار گرفته اید که با پک حرکت کوچک میتوانید سرافرازی و اختصار عهیتنگی، ای برای خود تحصل کنید و با نکره بدمانی چاو دانی، ای بخرید.

شما اگر صادقانه و خالصانه هنگام انقلاب ملت ایران شوبد سعادت ایدی را برای خود فراهمکردید و اگر خدای بازگردانی محاجت و سریخانی شنان داده به امید واهی که مطلع راه بچانی میکردن، در این می خواسته بزرگ شدن ایندیانی ترسیم حقوق یک شک، بعنی شرک شد که مردم ایران جرات انتقام را از جمهور ایران میگردند، سد ایندیه از قلعه ای از چهاول و غارت شوید و در مدد منحرف گردند آن بشاید.

آیه ناصر نادرست و ناسد رایست بقدرت حاکم انتقاد میکنند بین منظور استنکه شما بظفرداری از رزیم، با میزبانان اثبات گند این ناظهارات فرمایشی فشم از ازادی نسیم بر محیط نامن ان سال گشته انسایی حکومت میگردد و لذا مردم با سک و چوب سرانجام میگویی:

۱- ظاهرات فرمایشی در دولت آموزگار در زیرسایه فدرالکاری و چانفستانی مردم ایران به اصلاحات بروانی دولت شما راضی شوندکه ماله حل پود، دولتی های گشته نیز حاضر باین امر میشند، آقای شریفه امامی از روزیکه روی کار آمد و پهلوی زد استدعا میکنم بنده بدهید آنجه خواست فرمانداری نظامی ترتیبیداده شدند، دواتمن برآورده میکند، چهرا مردم مهلت تداووند؟ زیرا میدانستند او هم هدف اصلی از انقلاب ایران را دریافت آست و با مثل شما خود را بعدانستن میزند.

۲- آقای آموزگار تصور میکرد، رزیم هنوز بین مردم پایکاهی دارد، لذا می خواست بعزو سر نیز و تبلیغات آنرا بزرگ چلوه و حیات خود لحظات حساس و سرتوشتساز فراموشید که تیزیان و هوشمندان، کوچکترین پایکاه مردم، ندارد، بلکه شما ز سردن شما آنکه هیچ اندیه شوم آن فیرمکن گشته، از انقلاب خود درمای شیخه نکفنه است چانو هست خوبیش و جوانان عزیز و ارزشده خود را از سمت داده و ترقیات هیزی بسته باورده است، مردم ایران جملکی، آن حرکت کسرهاید، خود درمای شیخه نکفنه است چانو هست خوبیش و جوانان عزیز و ارزشده مردم سوهه استفاده کردیده و تحریف آنها بنشک سرد و می محظوظ شویل مردم مهداید، ای بخرید.

۳- ظاهرات در دولت خالصانه هنگام انقلاب ملت ایران شوبد سعادت ایدی را برای خود فراهمکردید انتقام را از جمهور ایران میگردند، سد ایندیه از قلعه ای از چهاول و غارت شوید و در مدد منحرف گردند آن بشاید.

۴- ظاهرات در سرانجام شکانه هنگام انقلاب ملت ایران چندین منظور استنکه بینه بینه میگردند، شما که مردم ایران جرات ایجاد کنید، نه شهانای بکمال میشود، بلکه در تاریخ نامن این سال گشته انسایی حکومت چه فرقی داشت؟

توضیحات مسخ و نسخه ای تجمیعی هر دم سیاست خارجی امنیت‌گذاری

مانا مصیر میلها قطعه را بده
گردیدم ، برای آنکه ناموس
حرف حق‌زدۀ بود ، دیپلماسی
ایران این مقدار توافق نداشت
که استلطان من در آورده خلیج
عربی را که عرب به جای
خلیج فارس به کار می‌بردند
از سر آن بیرون گفت ، خود
آنها هم شاید به پیوچن این
نمایندگان را وقف نمودند ولی
با او تلاع من گرفتند ، تیرز
آن مقدار اختیار ایشان بری
دولت ایران تقدیم نمودند که
پدرست حساب گوش دهنده
و از سوی دیگر ، او دوزن
پایان گرفتند - پیاست ایران و
کرده بود ، بمحض آنکه در
نقش می‌نگارند ، با یک عصب
گرد چنانه با یار و دیپلوماتی
برآختند ، در تیرز الدین در درج
ظاهری و پال و کوهان و سرو
بی و مذاکره ، پاک واقیت
نهنجه بود و آن این بود که
در رایطه با هر گذشت ، ایران
آن‌ها بود و نا امتناب دنداده باشی
باشد . اگرچه خوب بود این
زیمهه مثلثه مرغه کشیم ، به
آن است که زخم‌های کهنه
سر برای گشت . قضیه بصرین
را به نظر آوردید ، مذاکره
هیئتند و اتفاق نداشت ،
مودع اخلاق را می‌داند ،
بنگذاریم توهمیم داشت
گردد سادگی و امنیت
نظرو این است که میان
هر روز و هر قدر و باطن
له‌ای که سیاست ایران
ت، تائیس نیو است .
بروز دیگری که باید از
پاد کرد ، قدردان ، هشت
در سیاست خارجی ایران
وقتی بازی مذکون عالم
اگر همه مذاکره چشم
در میان بود ، هر خواهی
باب هر گذشت ، هر خواهی
تحمل می‌گشت . دولتش
که نوز و پیش به مقدمات
بنگذاریم توهمیم داشت

